

هر ایر خالاتیان

تکامل سوسیالیسم عملی در سوئد بر پایه

اقتصاد مخلوط

« (سوسیالیست عملی و اقتصاد، مخلوط) موضوع »
« کتاب تازه آقای هر ایر خالاتیان است. آقای خالاتیان »
« که مطالعه پر دامنه در سوسیالیسم و امور اجتماعی »
« دارند مباحث جالب و زنده را مورد بررسی قرار »
« داده و برخی از سئوالات امروز زندگی بشر را »
« مطرح کرده اند. انتقاد و مطالعه این کتاب پر ارزش »
« را بشماره های آینده موکول میکنیم و در این »
« شماره بنقل قسمتی از این اثر اجتماعی قناعت »
« میگردد. »

« اندیشه و هنر »

چرا سوئد را موطن سوسیالیسم عملی در عصر اتم میدانم؟
زیرا در زمینه تولید گرچه سوئد از لحاظ ثروت و منابع طبیعی از ممالک فقیر اروپا
و دنیا و از لحاظ جمعیت در شمار کشورهای کم جمعیت میباشد مع الوصف تولیدات صنعتی
سوئد سوسیالیست بر پایه های اقتصاد مخلوط بالاتر از تمام کشورهای اروپا و حتی دنیا است.
در سال ۱۹۵۰ سطح تولید صنعتی کشورهای زبده اروپا چنین بود (سال ۱۹۳۸ برای همه
۱۰۰ منظور شده است).

سوئد ۱۶۵ - انگلیس ۱۵۰ - بلژیک ۱۲۰ - دانمارک
۱۵۱ - هلند ۱۳۹ - ایتالیا ۱۰۹ - نروژ ۱۵۱ - فرانسه ۱۲۱ -

آلمان غربی ۹۶- (صفحه ۱۸۰ «بجای ترس» تالیف بوان) این پیشروی هم‌چنان ادامه دارد و در سال ۱۹۵۴ سطح تولید به ۱۷۵ رسیده بود.

زیرا در زمینه توزیع در سال ۱۹۵۰-۷۹٫۶ درصد از مردم سوئد از ۴۰۰۰۰ الی ۱۰۰٫۰۰۰ کرون و نور در سال درآمد دارند... (هر ۱۷۵ کرون نور معادل یک دلار است) (از سوشیال سوئیدن تالیف مولر وزیر سابق امور اجتماعی) عده چهاردر هزار ثروتمندان دائم رو بکاهش بوده و هست... این تساوی و بالا بردن سطح زندگی حتی در این مرحله در تمام دنیا منحصر بفرد می‌باشد.

زیرا سوئد تنها کشوری است که در آن برابری ده و شهر این ایده آل بزرگ سوسیالیستها از یک قرن باینطرف بمقیاس وسیعی عملی شده است کشاورزی سوئد بحد لازم مدرنیزه مکانیزه و الکتریفیکاسیون شده و سطح زندگی عمومی دهقانان بالا رفته و بالاخره از یوغ شهر استخلاص یافته است.

زیرا بیکاری این مرض مزمن و شفا ناپذیر کاپیتالسم و اقتصاد خصوصی در جامعه سوسیالیستی سوئد بدون حذف عمومی مالکیت خصوصی و برپایه های اقتصاد مخلوط مطلقاً از بین رفته است. کنترات های طویل المدت مساعددها و پرداختهای غیر قابل تصور برای معالک دیگر پروژه های بسیار بزرگ با اعتبارات متناسب ذخیره شده و حاضر و موازین بسیار دیگر بیکاری را در سوئد حاضر و آینده ریشه کن ساخته اند.

زیرا ارگانیزاسیون قوی و حتی مضاعف ملت سوئد تحت رهبری حزب سوسیال دمکرات که منحصرأ وابسته به پرولتاریا نبوده و در آن واحدا کثرت بزرگ ملت سوئد را با اکثر طبقات در خود متشکل میکند و تشکیلات عظیم و منظم تعاونی و غیر سیاسی که تعیین کارمزدها قیمت ها و حدود اختیارات و خلاصه همه چیز جامعه در دست آنهاست بطوریکه بدون حذف مالکیت خصوصی میتواند آنرا مطیع و منقاد بلا شرط خود بسازد در تمام دنیا بی سابقه و بی نظیر است.

زیرا دولت سوئد نیز همانند دیگر جنبه های جامعه سوسیالیست آن استثنائی است. اپارات دولتی سوئد از لحاظ کمیت کوچک و از لحاظ کیفیت گاه لا دم و کراتیک دیسانترال و فدرالیستی می‌باشد. ارگانهای دولتی دارای اختیارات محدود مسئولیتهای مستقیم و حقوق و عایدی اعضای آنها تقریباً مساوی با دیگر کارگران و کارمندان یدی و فکری و غیر دولتی می‌باشد...

زیرا مردم سوئد در همه چیز آزادی مطلق دارند. در سوئد زندانی سیاسی نیست و نمیتواند باشد اساساً در سوئد زندان وجود ندارد. در سوئد سانسور نبوده و نیست... در این مورد باید گفت که سانسور معنی رایج خود را از دست داده است زیرا از چندین دهسال باینطرف مدام ۸۴ درصد از مطبوعات و وسائل تبلیغاتی در دست مخالفین حزب سوسیال دمکرات است و با وجود این همواره آراء مردم از آن حزب سوسیال دمکرات حاکم می‌باشد...

زیرا مبانی میلیتاریستی ارتش سوئد تقریباً از بین رفته و بازمانده های آن نیز در حال مرگ است... ارتش توده ای و ملی سوئد در جامعه و مخصوصاً در روابط کاپیتال مطلقاً دخالت ندارد....

زیرا سوئد غیر از دارا بودن سیستم عالی بهداشت همگانی بر پایه اصول سوسیالیسم و کاملاً مشابه بهداری سوسیالیستی انگلیس در زمینه‌های متعدد عمومی در تمام دنیای نظیر است ... دهاتی کارگر ماهیگیر دلال و واسطه کارمند و کارفرما همه بطور متساوی و کافی از آن برخوردارند ...

زیرا سوسیالیسم سوئد عملاً توانسته است مقصر حقیقی یعنی محیط اجتماعی را بعوض افراد نگون بخت و قربانی محیط اجتماعی بروی صندلی محکومین بنشانند زیرا بنا بر اصول اتیکس و مودال سوسیالیستی افراد خطا کار مقصر نیستند بلکه آنها قربانیان محیط اجتماعی هستند ...

زیرا جامعه سوسیالیست سوئد دارد نسل نو زیبا سالم و کامل انسانی را با آخرین اسلوب علمی زیبایی شناسی ایجاد میکند. از یکصد سال باینطرف جامعه سوسیالیست سوئد قانوناً و رسماً اصول علمی و استتیک کنترل هواید و اوژنیک را بمورد عمل و اجرا گذارده و میگذارد. زندگی کلیه نوزادان در شرایط مذکور به بهترین وجه ممکن تأمین است. از سالها باینطرف ر کورد کمترین مرگ و میر نوزادان و کودکان در دنیا متعلق بسوئد سوسیالیست است. کودکان سوئد تقریباً همه بطور مستقیم از طرف جامعه سوسیالیست سوئد تعلیم و تربیت میشوند ... کودکان سوئدی بنا بموازین و متدهای علمی و روانشناسی مخصوصاً روانکاوای مدرن همه بامور و زموز غریزه و زندگی جنسی آشنا و مانوس میشوند ...

بالاخره آنچه که مهم است عموم خردسالان سوئد سوئد سالیست تا هفده سالگی بدون در نظر گرفتن وضع مالی و عایدی خانوادگی دارای حقوق و مقرری و مزایای مطلقاً متساوی و قابل توجه میباشد و این عمل را دیکال سوسیالیسی سال بسال بارشد و بزرگ شدن خردسالان پیش میرود ... جوانان زبده سوئدی تا ۲۵-۲۶ سالگی (دختران) و ۲۸ سالگی (پسران) آزادانه از همه مزایا و لذات زندگی مستفیض میشوند و در مقابل بهترین و با ارزشترین ایام جوانی خود را بخدمت جامعه سوسیالیست سوئد بکار میبرند و سپس بعد از آن در شرایط مهیاشده از هر لحاظ مبادرت بتشکیل خانواده میکنند.

مقدمت و کلیات

سوئد در شمال اروپا واقع شده و ۴۴۹۱۶۵ کیلومتر مربع وسعت دارد. ۵۴٫۵ درصد از اراضی سوئد را جنگلها ۱۱٫۶ درصد را مراتع و دشتهای ۳۳٫۹ درصد را هم اراضی متفرقه تشکیل میدهد. جمعیت سوئد در ۱۹۵۵ - ۷۱۴۴۶۶۴ نفر بود:

یعنی در هر کیلومتر مربع ۱۶ نفر میزیستند. در همان سال در حدود ۲۴۵۰۰۰ نفر خارجی ساکن سوئد بودند. جمعیت سوئد از لحاظ محل سکونت بمناطق دو گانه شهری و غیر شهری منقسم میشود. در مناطق شهری ۳۴۵۳۱۲۱ نفر و در مناطق غیر شهری ۳۶۹۱۵۴۳ نفر میزیستند ... گرچه ۵۵ درصد از جمعیت سوئد هنوز هم در مناطق غیر شهری زندگی میکنند معیناً ۳۰ درصد از جمعیت کل سوئد بکشاورزی اشتغال میبرزند. (حقایق در باره سوئد) سوئد از لحاظ منابع و ثروت طبیعی بسیار فقیر است. بطوریکه کلیه ثروت آن جنگلها آبها و آهن و تساحدی فولاد هستند ...

گرو نو لوزی: سال ۱۸۰۰ الی ۱۰۶۰ میلادی دوران حکومت هرچ و مرج - در سال ۱۴۳۵ نخستین جلسات پارلمان سوئد منعقد میشود. در ۱۴۷۷ دانشگاه ایسلا تاسیس میشود. در ۱۶۶۸ بانک سوئد مفتوح میشود. در ۱۷۶۳ نخستین قانون فقرا بتصویب میرسد. در ۱۷۸۶ اکادمی سوئد دائر میشود. در ۱۸۰۹ قانون اساسی فعلی تدوین میشود. در ۱۸۱۴ پس از آخرین جنگ سوئد اتحاد سوئد و نروژ بوقوع میپیوندد. در ۱۹۱۴-۱۹۱۸ سوئد بیطرف میماند و در جنگ اول جهانی شرکت نمی کند. در ۱۹۲۱ نخستین کابینه سوسیال دمکرات روی کار میاید. در ۱۹۳۹-۱۹۴۵ سوئد بیطرف میماند و در جنگ جهانی دوم شرکت نمی کند. در ۱۹۴۶ سوئد وارد سازمان ملل متحد میگردد. در ۱۹۴۸ بطرح مارشال ملحق میشود. در ۱۹۴۹ داخل شورای اروپا میگردد ولی به پیمان اتلانتیک ملحق نمیشود.

آنچه شکل و محتوی اقتصاد را تعیین مینماید: سوئد کشوریست طبیعتاً فقیر و کم جمعیت ۱۵۴ سال در صلاح زیسته و همواره آزادی و استقلال تام ملی و میهنی داشته است در ۱۸۷۰ بیش از ۷۲ درصد مردم سوئد بازراعت میزیسته اند از ۱۹۲۰ حزب سوسیال دمکرات بجز چند دوره کوتاه پیوسته حاکم بر اوضاع سوئد بوده است.

اقتصاد خلوط - ارتقاء عالی سطح تولیدات و آموزشهای مسالمت آمیز و توزیع متساوی و متناسب با احتیاجات مردم بارزترین خواص جامعه سوئد بوده و هست. در چهار چوب دارائی و امکانات رسم شده در بالا سوئد سوسیالیست سطح تولیدات عمومی خود را ببالا ترین نقطه ممکن در حال حاضر رسانیده است در این خصوص انورین بوان چنین اظهار نظر میکند. «آما ردیل (سطح تولیدات صنعتی اروپا از ۱۹۳۸ الی ۱۹۵۰- یادداشت ما) تاحدی نشان میدهد که چطور ممالک ملقب بدارندگان اقتصاد آزاد که آنقدر از طرف محافظه کاران انگلیسی و هم چنین ایالات متحده امریکا طرفداری میشوند در پشت سر کشور هائی قرار دارند که حکومت آنان در دست سوسیال دمکراسی است» (بجای ترس از بوان). بوان یک فرد سوسیالیست صرف است و در عین حال مارکسیست دو آتشه. لذا ممکن است رای او غرض آلود بنظر آید. بدین جهت نظر کسانی را شاهد میگیریم که وظیفه دارند از سیستم اقتصادی ایالات متحده امریکا در عالم آید و لوزی معاصر دفاع نمایند. از سیستم کشوری که بتنهائی ۴۰ درصد از کلیه تولیدات اقتصادی دنیا را در دست دارد ولی جمعیت آن از ۸ درصد جمعیت دنیا هم کمتر است. بنظر مدافعین این سیستم استثنائی:

«سوئد میتواند چه در تولید و چه در ترقیات اجتماعی با ایالات متحده رقابت نماید و از آن هم جلو تر رود ... من کوشش نمیکنم تا یک سیستم مخصوصی بمثل دیگر بنروشم (کاپیتالسم در امریکا صفحه ۱۱۳)

نظری دیگر: چندی پیش را ما نورها لوهیا یکی از رهبران سوسیالیستهای هندوستان بانظری پوینده با اروپا و من جمله سوئد سفر کرد و بانظری انتقاد آمیز در قبال سیاست ملی و غیر جهانی سوسیالیسم (اروپا و خصوصاً سوئد) قدم در مرزهای اریانت بیدار شده ولی خواب آلود نهاد. لوهیای هندی بچشم می بیند و هم چنین معترف است که: «در خیابانهای استکهلم سوسیالیست من بندرت شخصیرا میدیدم که از لباسهای معلوم شود کارگراست. شرایط

بنوعیکه باغ کودکان برای فقرا فانتزی یا شاعرانه بنظر میرسد. بزرگترین کار حکومت سوسیالیستی سوئد در مدت یکپهفته که من در آنجا بودم مربوط بقیمت شیر بود که آیا یک یادوپنس اضافه بمصرف کننده تحمیل شود یا باید بصورت اعانه نقدی از طرف حکومت بتولید کننده داده شود ... (اردو گاه سوم ومسائل جهانی-ازلوهیا)...

مالکیت و تقسیم کار در سوئد : از منابع سه گانه سوئد، جنگلها ۸۰ درصد خصوصی و بقیه عمومی و ملی است. معادن آهن ۸۵ درصد مخلوطی از خصوصی و عمومی و نیروی ماخوذه از آنها ۴۰ درصد از قسمت مورد استفاده و ۵۰ درصد از بقیه متعلق بملک و دولت است و بقیه خصوصی است. از لحاظ اشتغال جمعیت فعال بطور کلی ۸۴ درصد در موسسات خصوصی مشغول کارند ۱۳ درصد در مؤسسات عمومی و شهرداریها و دو ایردولتی و ۳ درصد بقیه در شرکتهای تعاونی همگانی مصرف کنندگان در زمینه کشاورزی: ۹۶ درصد از اراضی قابل زرع خصوصی و ۴ درصد عمومی است... در رشته حمل و نقل ۹۲ درصد از مالکیت راه آهن و ۵۰ درصد خطوط هوایی ملی و بقیه خصوصی میباشد. کشتی رانی سوئد تقریباً صد درصد خصوصی است سیستم ترابوایی و بندرها تحت اختیار شهرداریها هستند. پست و تلگراف و تلفن دولتی میباشد. ایستگاه رادیو و اداره تبلیغات سوئد موسسات نیمه دولتی محسوب میشوند... (حقایق درباره سوئد صفحه ۲۲)

تحول از کشاورزی بصنعتی : ۸۰ سال پیش سوئد کشوری بود فلاحی و فقیر. برخلاف فقر عمومی موجود جمعیت سوئد بسرعت روبفرونی بود و بزودی منجر بیک جریان نسبتاً وسیع پرولتاریزاسیون کشت دهقانان ورشکسته همه پرولتاریزه شده بودند ولی دو عامل مهم اوضاع را عوض کرد.

الف- مهاجرت بامریکا- بصنعتی شدن کشور- مهاجرت بامریکا از ۱۸۴۰ آغاز گشت و در ۱۸۸۸ بیلاترین نقطه صعودی رسید... این مهاجرتها در ۱۹۲۰ به ۳۰ هزار نفر در سال و سپس به ۲۰ هزار نفر و ده هزار نفر تقلیل یافت. در ۱۹۳۰ فقط ۲۵۰۰ نفر مهاجرت کردند و در حین جنگ جهانی دوم مهاجرت بخارج خاتمه یافت و برعکس مهاجرت از خارج بداخل سوئد رو بتزاید گذاشت... اکنون در حدود ۲۴۵۰۰۰ نفر خارجی در سوئد سکونت دارد. تحول صنعتی شدن مخصوصاً از ۱۸۷۰ سرعت زیاد بخود گرفت زیرا در آنسال خط آهن سوئد بطور انقلابی ترقی و توسعه یافت... جایجا شدن های بزرگی از رشته کشاورزی برشته های نوین صنعتی انجام یافت ولی نه بشکل رایج و معمول در اروپا و غیره باین معنی که جریان پرولتاریزاسیون در سوئد باندازه دیگر کشورها نبود و پرولتاریای سوئد نیز شکل و محتوی پرولتاریای کشورها را نداشت. بعلاوه این جریان نیز مانند دیگر کشورها بکشاورزی ضرر نرود بلکه بآن کمک فراوانی کرد.

کشاورزی سوئد در مقابل از دست دادن منابع کارگری بسرعت مدرنیزه و الکتریفیکاسیون شد بطوریکه در مدتی کوتاه توانست احتیاجات روز افزون مردم سوئد را بر آورد و مازادی هم صادر کند... علت اینکه پرولتاریزاسیون در سوئد باشکل و محتوی دیگر انجام گرفت آن بود که در این کشور مناطق کشاورزی و صنعتی از هم دور و مجزا نیستند بلکه درهم آمیخته میباشد. بعبارت دیگر تغییر اشتغالات زیاد بر افراد و طبقات موثر نیست چون محیط کلی تغییر نیافته و نمی یابد آنها در همان محیط کلی قبلی زندگی میکنند منتها بعوض زراعت بکارگری

در کارخانه ها مشغول میشوند ...

سیاست اقتصادی سوسیالیسم دمکراتیک سوئد در رشته صنایع :

سوسیال دمکراسی سوئد در سیاست اقتصادی رشته صنایع از یک روش واحد و خاصی پیروی نمیکند در این رشته تنها هدف آن ارتقاء سریع تولیدات عمومی است با در نظر گرفتن مصالح و احتیاجات همگانی .

مثلاً سوسیالیسم دمکراتیک و عملی سوئد در ۱۹۳۹ تشخیص داد که اگر راه آهن سوئد بر اساس ملی گذارده شود بشفیع مردم و مملکت است و اقدام بناسیونالیزاسیون آن کرد . و بقیه ۸ درصد که همه خطوط فرعی و غیر مهم است خصوصی است یا مثلاً در رشته های مهم و حیاتی (البته از لحاظ سوئد) معادن آهن و فولاد و صنایع مربوطه و همچنین آبشارهای مورد استفاده بمنظور ایجاد ایستگاه های عظیم هیدرو الکتریک و چون سوسیالیسم دموکراتیک سوئد به تجربه دریافته است که اگر بکلی یا قسمتی از پایه های خصوصی آنها را حذف کند و بر اساس ملی عمومی یا دولتی بگذارد بشفیع و مصلحت مردم است و از این راه بهتر میتواند احتیاجات عامه را مرتفع سازد باین جهت اقدام بملی کردن یا دولتی و غیره آنها کرد .

اما بالعکس چون در رشته های صنعتی قند و شکر و سیمان و غیره که با آزمایش مشاهده شد حذف مالکیت خصوصی در آنها هیچ گونه نفعی در بر ندارد بلکه بالعکس نتایج معکوس و غیر منتظره بدست میاید نه تنها ملی یا دولتی نکرده و پایه های خصوصی مالکیت را در آنها نگاه داری نموده بلکه در مواقع معین از آنها حمایت و طرفداری هم کرده است و میکند . چنانکه هم اکنون تراستها و کارتلها و کنسرسیومهای چندی در این رشته ها آزادانه فعالیت میکنند و غالباً هم از مساعدتها و کمک های دولت و جامعه برخوردارند .

در مورد حمایت و پشتیبانی از تراستها و کارتلها در رشته های خاص و موارد معین گوستاو مولر وزیر امور اجتماعی سابق سوئد چنین اظهار نظر میکند : « بازارهای داخلی سوئد بعد از ۱۹۳۰ توسعه زیاد یافته اند و اکنون در سوئد تراستها و کارتلهای چندی آزادانه فعالیت میکنند . مخصوصاً در صنایع قند و شکر و سیمان . دولت سوئد نه اینکه قوانین ضد تراست و کارتل وضع نکرد و نمیکند بلکه از تراستها و کارتلها حمایت نموده و میکند یکی از علل این آزادی اینست که در سوئد پایه های کلکتیویسم بسیار مستحکم است و خود بخود جای زیاده رویها و افراط و تفریطها را گرفته و فعالیت های تراستها و کارتلها را کنترل و منظم میکند . در سوئد اتحادیه های بسیار بزرگ وجود دارد و در کارها و امور مربوط بتولید و توزیع مستقیماً دخالت میکنند و اوضاع را کنترل مینمایند و همه قیمت ها از طرف آنان کنترل میشود و آزادیهای تراستها و کارتلها بطور غیر مستقیم در تعیین قیمت ها سلب میگردد (از سوشال سوئیدن) »

سیاست اقتصادی سوسیالیسم دمکراتیک سوئد در رشته کشاورزی :

در رشته کشاورزی در عین حالیکه میدان برای فعالیت های مبتکرانه افراد و اشخاص خصوصی آزاد است معیناً آن اعمال و ابتکارات خصوصی آزاد شدیداً تحت کنترل اتحادیه های تعاونی میباشد . در این مورد اتحادیه های تعاونی دهقانان برهبری حزب اگرای و سوسیال دمکرات میباشد .

از ۴۴۹۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت کشور سوئد فقط ۹ درصد آن قابل زرع میباشد و محیط جغرافیائی سوئد هم زیاد برای کشاورزی مساعد نیست. مع الوصف کشاورزی سوئد پیشرفت و تکامل زیاد پیدا کرده است که البته مدیون تکامل مکانیزاسیون و الکتریفیکاسیون و مدرنیزاسیون مداوم وسائل کار است. سه ربع اراضی قابل زرع سوئد در دست دهقانان میباشد که وسعت اراضی آنها از ۵ الی ۱۰ هکتار است بقیه یک ربع بقطعات نسبتاً بزرگ منقسم میشود که واحدهای نسبتاً بزرگ را تشکیل میدهند. اما سیاست عمومی حزب سوسیال دمکرات در قبال مسائل اگراری (زمین) و دهقانان طوری تنظیم شده و اجرا میگردد که هیچ گونه امکان تمرکز اراضی در دست یکعده معدود یا بی نظمی های دیگر موجود نیست. باین طریق که بنا بقانونی که مدتی قبل از پارلمان گذرانده شده فقط آنهائی حق تصاحب اراضی مزروعی و کشاورزی را دارند که شخصاً در زراعت و بهره برداری زمین اقدام میکنند. مثلاً سرمایه دارانیکه خود کار نمی کنند بلکه میخواهند با تمرکز اراضی مزروعی و سرمایه گذاری کلان توسط مزدوران دهات تولید نمایند قانوناً حق اینکار را ندارند، بعلاوه کارگران دهاتی که از خود زمین و وسائل کشاورزی ندارند و برای دیگران مزدوری مینمایند همه با کثرتهای سالانه اجیر هستند چرن کار آنها فصلی است و اگر آنها برای تمام سال با کثرتهای سودآور اجیر نشده و مزدو مزایای قانونی خود را نگیرند مجبورند بشهرها مراکز صنعتی جنگلها سواحل دریا و مناطق دیگر روی آورند و برای خود و جامعه ایجاد ناراحتی و بی نظمی و نارضایتی کنند. روی این اصل همه کارگران دهاتی برای تمام چهار فصل چه از لحاظ کار و چه از لحاظ مزد و مزایا تامین شده اند و قوانین مربوط بشدت و درستی اجرا میشود (در صنایع نیز از مدتی باینطرف سیستم کثرتی سالانه رواج یافته و این سیستم اکنون از مرزهای سوئد هم تجاوز نموده و به ایالات متحده آمریکا رسیده است).

مدرنیزاسیون مکانیزاسیون و الکتریفیکاسیون کشاورزی و وسائل کار آن در سوئد بسرعت و بمقیاس کلی پیشرفت زیادی کرده است. در این مورد چون اکثر دهقانان خرده پا خود شخصاً و بتنهائی قادر بفراهم کردن وسائل ماشین لازم و آنچه مهم است مدرنیزاسیون آن ماشینها یعنی تعویض ماشینهای کهنه با ماشینهای تازه و نو نیستند لذا دولت و اتحادیه های تعاونی پیشقدم شده و صندوقها و بانکها و اعتبارات سرمایه ها و اندوخته های عمومی لازم را فراهم نموده و تحت اختیار دهقانان گذارده اند تا آنها هم صاحب ماشینهای مدرن و لازم شوند و در ضمن از حالا پایه های عمومی و صرفاً سوسیالیستی تولید کشاورزی پی ریزی گردد و چون این اقدامات هم با اشکال عمومی و کلکیو انجام مییابند در مدت بسیار کم کار مکانیزاسیون و الکتریفیکاسیون و وسائل کشاورزی بطور بی سابقه بجلورفته است. آمار زیر نشانه آن پیشرویه است: در سال ۱۹۴۵ تعداد تراکتورهای مورد استعمال در مزارع سوئد فقط ۳۰ هزار بود. در مدت ۴ سال یعنی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ با سرعت بی نظیری دوبرابر یعنی به ۶۰ هزار تراکتور رسید. اما جریان پیشروی در این نقطه متوقف نمازد بلکه با همان سرعت جلو رفت تا اینکه در پایان ۱۹۵۴ به ۱۰۷ هزار تراکتور رسید. بعلاوه دهقانان سوئد غیر از داشتن

تراکتورهای لازم و کافی دارای ماشین‌های گوناگون و متعدد دیگر که همه اتوماتیک و خودکار می‌باشد هستند ...

در همه این احوال اتحادیه‌ها و تشکیلات منظم و گوناگون دهقانان و وابسته‌های سوسیال دموکراسی سوئد تأثیر قاطع و تعیین کننده بر امور جاری دارند هر دهاتی سوئدی بدون استثناء عضو کوپراتیوها و تشکیلات دیگر کشاورزی است در ۱۹۵۵ فقط یک شعبه از دوازده شعبه اتحادیه تعاونی ملی سوئد دارای ۳۶۰۰۰۰ عضو بود این تشکیلات عظیم و منظم همه چیز را از تعیین قیمت‌ها تا فراهم کردن اعتبارات لازم برای مدرنیزاسیون ماشین‌ساز تولیدی و غیره در دست دارد. آن‌ها در داخل خود دارای وسائل تبلیغاتی از قبیل روزنامه و مجله و فیلم و دستگاه‌های سینما و گرافیک و رادیو و ایستگاه‌های مخصوص بخود و موسسات تربیتی و فرهنگی و غیره می‌باشد و باروح کلکتیویستی و سوسیالیستی اعضای خود را تعلیم و تربیت می‌کنند.

غیر از اتحادیه عمومی و ملی اسوسیاسیون‌ها و شرکتهای تعاونی دیگری هم از قبیل اسوسیاسیون اعتبار که در ۱۹۵۵ دویست هزار عضو داشت و همواره در حدود ۱۶۰۰ میلیون کرون اعتبار برای وام دادن باعضای خود در اختیار دارد وجود بود. یا اسوسیاسیون لیبیات سوئد که در همان سال ۲۶۰۰۰۰ عضو داشت و گردش اعتبار در جریان گذاشته شده آن سالانه به ۱۳۰۰ میلیون کرون بالغ می‌شد و اسوسیاسیون گوشت که ۲۸۰۰۰۰۰ عضو و ۸۰۰ میلیون کرون گردش سالانه داشت و اسوسیاسیون تخم مرغ ۷۰۰۰۰۰ عضو و ۸۴ میلیون کرون گردش در سال. و بالاخره تشکیلات عمومی خرید و فروش محصولات کشاورزی سوئد که دارای ۱۴۴۰۰۰ عضو بود و سالانه ۹۲۸ میلیون کرون گردش اعتبار داشت و غیره... بطوریکه بوضوح از آمار و اعداد بالا ملاحظه می‌شود سوئدیها در همه زمینه‌ها ورشته‌ها و شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی بطور مضاعف از گائیزه و متشکل هستند. بعبارت ساده‌تر کلیه سوئدیها در آن واحد در چندین تشکیلات مختلف عضو می‌باشند و همه این تشکیلات که قسمتی سیاسی و قسمتی غیر سیاسی است دارای یک فعالیت کاملاً هماهنگ و هارمونیک و بی نظیر است. بطوریکه بزرگترین و شکست ناپذیرترین نیروی جامعه سوئد سوسیالیست را تشکیل می‌دهند... و این نیروی شکست ناپذیر است که میتواند سوسیالیسم را بمقیاس عمومی و کشوری در سوئد بنا سازد....

سیاست اقتصاد سوسیالیسم دموکراتیک سوئد در توزیع :

ما بچند علت مهم توزیع را از تولید جدا گانه مورد بحث قرار میدهم زیرا الف) توزیع تابعی از تولید نیست. ب) توزیع متساوی و متناسب با احتیاجات مردم با تولید مخلوط ممکن، و هدف سوسیالیسم علمی میباشد.

سوسیالیسم علمی کلاسیک که همواره تحت تأثیر همه جانبه مارکسیسم قرار دارد در همه احوال تولید را علت العمل نهائی و همه چیز دیگر - منجمله توزیع - را معلولات و توابع مستقیم و غیر مستقیم آن می‌شمرد و هنوز هم مارکسیسم منحرف روسیه کمونیست در عصر اتم چنین وانمودهائی میکند....

بعبارت ساده بنظر مارکسیسم اگر تولید دسته جمعی شد و پایه‌های خصوصی آن از میان رفت همه چیز و منجمله توزیع هم متناسب آن تغییر حالت خواهد داد. در مرحله نخست متناسب با کار مردم و سپس در مرحله دوم متناسب با احتیاجات مردم خواهد بود. تا اینجا بروفق مراد کمونیست‌های معاصر است زیرا آنها مدعی هستند که مرحله پائین کمونیسم یعنی

سوسیالیسم را بنیاد گذارده اند و اگر نابرابریهایی که در جامعه کمونیستی روسیه شوروی بچشم میخورد همه آنها زاده و معلول شرایط کلی مرحله یائین کمونیسم میباشد که معرف و نماینده توزیع غیر متساوی یا تولید دسته جمعی است ولی مارکسیسم در این نقطه متوقف نمیشود و عقیده را سخ برای این نیز دارد که بدون تغییر در اساس دنیای مالکیت از خصوصی به عمومی و تولید به بیچ وجه ممکن نیست تغییر و تحولی در توزیع بسوی برابری ایجاد کرد...

بزعم علم اقتصاد کلاسیک مارکسیستی: «توزیع يك جزء ضروری سیستم عمومی تولید بوده و کلا تابع و منوط بآنست. تنظیم هماهنگ تولید و وجه توزیع هماهنگ و متناسب با تولید میگردد... اصل توزیع مستقیماً ناشی از شکل عمومی و دسته جمعی تولید میباشد...» (علم اقتصاد تألیف بوگدانف ارمینی) ولی با شروع دوران عملی در حیات نهضت سوسیالیسم یا بکلامی دیگر از زمانیکه در ممالک مختلف احزاب سوسیالیست حکومت سیاسی را بدست گرفته و عملیات تئوریهای کلاسیک سوسیالیسم علمی را در رشته های مربوط بتولید و توزیع و غیره آزمایش نموده اند همه باین نتیجه رسیده اند که تغییر مبانی مالکیت و تبدیل از خصوصی بدسته جمعی استثمار را از بین نمیرد... و اما ضمن همین آزمایشات عملاً مشاهده شد که با کنترل تردید مستقیم و شدید مردم متشکل (ارگانیزه شده) بر تولید مخلوط از اشکال مختلفه خصوصی و ملی و دولتی و غیره میتوان عملاً محصولات تولیدی و ثروت ملی را بتساوی و هم چنین بتناسب احتیاجات مردم توزیع و تقسیم کرد... پس از این لحاظ این نتیجه بدست میآید که توزیع تابع تولید نیست، ولی البته این عقیده را به بیچ وجه نمیتوان تعمیم داد زیرا در خود سیستم اقتصاد مخلوط برای اینکه فقر بتساوی تقسیم نشود احزاب سوسیالیست با تمام وسائل و طرق ممکنه سعی میکنند تا سطح تولید را هر چه بیشتر بالا ببرند چون بدیهی است وقتی کمتر از آنچه که مورد لزوم کلیه اعضای يك جامعه است تولید میشود به بیچ وجه ممکن نیست آنها را بتساوی و مخصوصاً بتناسب احتیاجات آن اعضا توزیع و تقسیم نمود... خلاصه منظور اینست که برای توزیع متساوی و متناسب با احتیاجات مردم حذف مبانی مالکیت خصوصی بطور عمومی شرط اول و اساسی نیست و بدون آن و مخصوصاً با سیستم اقتصاد و تولید مخلوط نمیتوان توزیع متساوی سوسیالیستی داشت...
دیگر اینکه بادر نظر گرفتن جمیع ترقیات و پیشرفتهای اقتصادی و فنی و علمی و اجتماعی و غیره شرائط عصر اتم هم اکنون جامعه سوسیالیست سوئد راه درازی را در عملی کردن شعار معروف و ایده آلی «از هر کس بنسبت استعداد و قدرتش و بهر کس به نسبت احتیاجش» طی کرده است...

اقتصاد مخلوط و عدم بیکاری: «خطر بیکاری پس از بحران عظیم جهانی ۱۹۳۰ بکلی از سوئد رخت بر بسته است. پروژه های مربوط در ۱۹۴۵ به نتیجه کامل رسیدند. در آمار رسمی ۱۹۵۵ معلوم شد که تمام جمعیت سوئد از ۱۵ الی ۶۵ سالگی ۶۲ درصد با شرائط سودآور مشغول خدمت میباشد از این عده ۲۵ درصد کدبانو بودند که آنها هم بشوهران خود در اشتغاللات کمک میکردند... دیگر اینکه از آمار ۱۹۴۵ معلوم شد که در سوئد با اشکال میتوان کسی را پیدا کرد که بیکار باشد. (سوشال سوئیدن)» اکنون بینیم جامعه سوسیالیسم سوئد با وجود مالکیت خصوصی چگونه توانسته است از این مرض مزمن جوامع کاپیتالیستی یعنی خطر بیکاری که بنظر مارکسیسم مولود جبری مالکیت خصوصی است خلاص شود. طرق مبارزه و جلوگیری از

بیکاری در سوئد بوسیله پروژه‌های بسیار وسیع ذخیره‌ای عمل می‌شوند. باین معنی که جامعه سوئد برنامه‌های بزرگی از قبیل ساختمان ایستگاه‌های مدرن هیدرو الکتریک ایجاد راه‌ها و جاده‌های جدید بنای منازل نو و تجهیز تولید ذخیره‌ای اجناس ضروری مردم تهیه مواد اولیه ذخیره‌ای و غیره با اعتبارات لازم و کافی از دهها سال باینطرف حاضر و آماده دارد و هر سال بر کمیت و کیفیت برنامه‌ها و وجوه و اعتبارات ذخیره علاوه می‌گردد و تادریک رشته مختصر بیکاری یا احتمال بیکاری مشاهده می‌شود فوراً یکی از پروژه‌های ذخیره بکار می‌افتد و کلیه کارگرانیکه بیکار شده اند در آن کار جدید با شرایط عاری و مزایای معمولی مشغول کار می‌شوند. اعتبارات لازم و وجوه کافی پروژه‌های ذخیره‌ای عبارت از یک قسمت بودجه‌های ملی کشوری است که اهمیت بسیاری برای آن قائل می‌شوند. باین ترتیب که فقط در بودجه عمومی سال ۱۹۵۲-۵۱ سوئد مبلغ ۲۰۰ میلیون کرون برای پروژه‌های ذخیره تخصیص داده شده بود. و اگر هر سال از سه دهه باینطرف را حساب کنیم معلوم خواهد شد که چقدر جامعه سوئد سوسیالیست از کار و سرمایه لازم برای ایجاد آن تاهین شده است...

آنچه گذشت فقط یک طرف موضوع بوده جامعه سوسیالیست سوئد غیر از اقدامات مذکور در بالا برای جلوگیری از بیکاری قانوناً متعهد شده است تا حداکثر ۱۵۶ روز در سال به بیکاران بنرخ معمول مزد بپردازد... در شرایط سوئد البته محال است چندین ماه کارگران بیکار بمانند تا بانها مزد بدون کار پرداخت شود زیرا پروژه‌های فوق مانع آن خواهد شد. دیگر اینکه حتی در مواقع بیکاری کسی حق ندارد کارگران بیکار را بکارهای طاقت فرسا و مخالفت با میل و اراده آنان بگمارد و یا کمتر از معمول با آنها مزد پرداخت نماید... بنابراین در همچو شرایطی آیا انقلابی تر نیست که مالکیت خصوصی زیر کنترل شدید را با حکومت بی کنترل مالکیت دسته جمعی بوروکراسی مدرن که تحت عنوان مالکیت عمومی از زحمتکشان استثمار می‌کند تعویض نمائیم؟...

کار و مزایا : کوستا مولر در مقدمه کتاب خود مینویسد: «... یک مرخصی سه هفته با حقوق اکنون حق قانونی هر کارگر در سوئد است و سپس مستمری ملی متدرجاً بالا رفته و زندگی سال خوردگان و افراد علی‌الرأسمین کرده است. مقامات مربوطه هم اکنون کمکها و مساعدتهای کودکان زنان بیوه و اشخاص علی‌و نوزادان و مادران شوهر نکرده را درست و سروقت پرداخت مینماید. کلیه سوئدیها بدون استثنا و بتساوی در سال ۱۹۴۹ روزانه نفری ۳۹۲۰ کالری دریافت میداشتند (رقم نرمال بین ۲۷۰۰ و ۳۰۰۰ کالری است) این رقم اضافی با کمک مستقیم جامعه بوجود می‌آید. باین ترتیب که چون بطور کلی شیر و کره و پنیر و تخم مرغ و غیره در سوئد به علت نامساعد بودن محیط طبیعی و جغرافیائی زیاد مقوی نیست از این رو جامعه سوسیالیست سوئد برای جبران آن بطور رایگان مواد لازم را بوسیله صبحانه‌ها و نهارهای مقوی و مجانی در مدارس و خوراکیهای مناسب در کارخانه‌ها که همه دارای آشپزخانه‌های مجهز بخرج جامعه میباشند بکارگران و دیگر دسته‌های مردم میدهد. (سوشال سوئیدن)

محور کلیه اعمال و اقدامات جامعه سوسیالیست سوئد نوزادان و کودکان و جوانان کشور میباشند چنانچه در سال ۱۹۵۱ درست نصف بودجه کل مصارف اجتماعی سوئد که رقم بزرگی در بودجه ملی است از آن کودکان و جوانان بود. (صفحه ۱۰۶ همان کتاب) زیرا بنظر جامعه سوئد شخصیت و آینده و سلامت و خوشبختی و همه چیز افراد مبتنی بالغ بر

دوران کودکی و جوانی آنهاست. سوسیالیسم عملی سوئد در این زمینه نتایج زیر را ببار آورده است:

- ۱ - تولید نسل در سوئد با موازین علمی و استتیک و قواعد و اسلوب کنترل موالید و اوژنیک انجام میشود و اعمال استرلیزاسیون و کاستراسیون (عقیم ساختن) را قانوناً و رسماً به مورد اجرا میگذارند.

- ۲ - از دهها سال به اینطرف ر کورد کمترین مرگ و میر در نوزادان متعلق سوئد است.

- ۳ - کودکان سوئد تا هنگام رفتن به مدرسه در باغها و پارکها و کودکستانها و موسسات گوناگون که مخصوص سوئد است تحت تعلیم و تربیت قرار میگیرند و همه چیز برایگان در اختیار آنها گذارده می شود و والدین فارغ از همه چیز بکار و تفریح خود مشغول میشوند.

- ۴ - سیستم فرهنگی نوین سوئد دوران تحصیل تا دانشگاه را به ۹ سال تقلیل داده و آنها برای همه مطلقاً متساوی و اجباری توأم با خوراک و لباس و افزار لازم و بهداشت دندانپزشک رایگان و غیره ساخته است. آنچه مهم است تدریس و مواد برنامه همه مطابق آخرین اسلوب علمی تربیتی و مخصوصاً روانشناسی است بطوریکه در مدارس ابتدائی سوئد کلیه رموز و اسرار زندگی جنینی و جنسی و غیره را روی مبانی پسیکو آنالیز تعلیم میدهند.

- ۵ - عموم خردسالان سوئد تا سن ۱۷ سالگی دارای یک عایدی مطلقاً متساوی و کافی هستند که جامعه سوسیالیست سوئد برای آنها در نظر گرفته و پرداخت مینماید. این پرداختها همراه با تکامل خردسالان و سن آنها جلو میرود و بعد از چندی عموم سوئدیها را دربر خواهد گرفت. هدف جامعه سوئد اینست که تدریجاً آن مساوات ایده آلی را که یک قرن پیش ما را کسبستهم جسم می نمودند عملاً و واقعاً در سوئد ایجاد کند.

بهداشت: بهداشت سوئد درست مانند بهداری کامل و نمونه است یعنی کاملاً سوسیالیستی و بعبارت دیگر پزشکی بیمارستان مؤسسات طبی و غیره همه متعلق بملت است و تمام افراد مردم و حتی خارجیان برایگان از آن استفاده مینمایند. بیمه های سوئد بسیار فراوان و عمومی است و شماره آنها ۲۵ نوع بیمه بالغ میگرد که اهم آنها عبارتست از: بیمه های بهداشتی بیمه های پیشگیری از امراض بیمه عمومی دندانپزشکی بیمه های عمومی کارگران ماهیگیران کارکنان دریائی بیکاری دانش آموزان نسو و روسان دهقانان مادران باردار سالخوردهگان نابینایان بیوهها اولاد بیوهها یتیمان و غیره ... تذکر این نکته لازم است که در کشورهای دیگر حتی پیشرفته ترین آنها بیمه های اجتماعی مختص طبقات مخصوص و زمینهها و رشته های خاصی می باشد ولی در سوئد مطلقاً عمومی و همگانی و متساوی است.

تفاوت اصولی و اساسی هم در همین نقطه نهفته است یکی صرفاً سوسیالیستی است و آند دیگری کاپیتالیستی و نودوستانه که بر اساس ترحم و حتی در بعضی موارد گدائی گذارده شده است. دیگر اینکه این اقدامات بوسیله دستگاہها و بوروهای عریض و طویل بوروکراتیک مانند دیگر کشورها انجام نمی یابد بلکه توسط کمیته های معدودی که از طرف مردم انتخاب و تجدید انتخاب میشود نه حقوق میگیرند و نه اختیارات وسیع دارند.

درآمدها بسوی برابری : قبلا حدود کلمی برابری و مساوات موجود

در اجتماع سوئد را معرفی کردیم و اینک میپردازیم بپاره از جزئیات آن تا تصویر صحیح برابری روشن تر ترسیم گردد : در ۱۹۵۰ وضع عمومی جمعیت فعال سوئد از لحاظ اشتغال و درآمد چنین بود :

کارفرمایان:	کشاورزی	۵۱۰۰	کرونور در سال
	صنعت و تجارت	۷۲۰۰	» »
	حمل و نقل	۷۱۰۰	» »
	بازرگانی	۹۴۰۰	» »
	متخصصین و هنرمندان	۱۴۱۰۰	» »
	متفرقه	۵۳۰۰	» »

کارگران	کشاورزی	۳۲۰۰	کرونور در سال
	صنعت و تجارت	۶۲۰۰	» »
	حمل و نقل	۶۴۰۰	» »
	بازرگانی	۶۱۰۰	» »
	خدمات اجتماعی و عمومی	۷۸۰۰	» »
	استادان، فنی ها	۷۲۰۰	» »
	نوکر و کلفت	۲۱۰۰	» »
	متفرقه	۴۳۰۰	» »
	غیر فعال (پیران)	۳۲۰۰	» »

کلیه مردها و درآمدها از طرف اتحادیه های مربوط کارگران و زحمتکشان تعیین شده است . این کار مردها و درآمدها از ۱۹۳۹ تا ۱۹۵۰ برای مردها ۳۶ درصد و برای زنها ۴۵ درصد افزایش یافته است . اما هنوز هم میان کار مزدور و درآمد مردان و زنان تفاوتی موجود است که سعی میشود از بین برود . بطور کلی در سال ۱۹۵۰ مردان ۶۲۰۰ کرونور و زنان ۴۲۰۰ کرونور درآمد سالانه داشته اند .

در سوئد بزرگترین کار مردها و درآمدها متعلق بطبقه ذکاء اتلکتوال یعنی هنرمندان دانشمندان حقوقدانان پزشکان و غیره است که حد متوسط درآمد سالانه آنها ۱۴۱۰۰ کرونور است و کمترین مردها از آن کارگران کشاورزی و نوکران و کلفتهاست که از دو الی سه هزار کرونور در سال تجاوز نمیکنند .

سیستم مالیاتی سوئد مستقیم و صعودی و دو برابر میباشد . معمولا حداقل و حداکثر مالیاتهای سوئد از ۱۲ الی ۶۵ درصد میباشد اما در مواقع و موارد معین سطح مالیاتها بسیار افزایش می یابد و آن در مورد ثروتمندان بزرگ و سرمایه داران عمده یعنی ۴ در هزار مردم سوئد است



عصیان

«... پس ایوب در جواب گفت. بشنوید کلام مرا بشنوید...
چرا شریران زنده میمانند پیر میشوند و در توانائی قوی
میگردند. ذریت ایشان بحضور ایشان با ایشان استوار میشود.
و اولاد ایشان در نظر ایشان. خانه‌های ایشان از ترس ایمن
میباشد و عصای خدا بر ایشان فرود نمی‌آید. گاو نر ایشان جماع
نمی‌کند و خطا نمی‌کند و ماده گاو شان میزاید و سقط نمی‌نماید.
بچه‌های خود را مثل گله بیرون می‌فرستند و با صدای نای شادی
میکنند. روزهای خود را در سعادتمندی صرف می‌سازند. و بخدا
میگویند از ما دور شو زیرا معرفت طریق ترا نمیخواهیم. قادر
مطلق کیست که او را عبادت نمائیم. و ما را چه فایده که از او
استدعا کنیم. اینک سعادت‌مندی ایشان در دست ایشان نیست؟...
خدا گناهش را برای فرزندانش ذخیره میکند و او را مکافات
میرساند... چشمانش هلاکت او را خواهد دید و از خشم قادر
مطلق خواهد ترسید. زیرا که بعد از او در خانه‌اش او را چه
شادی خواهد بود. چون عدد ماه‌هایش منقطع شود. آیا خدا را علم
توان آموخت. چونکه او بر اعلیٰ علین داوری میکند. یکی در
عین قوت خود می‌میرد در حالیکه بالکل در امنیت و سلامتی است.
قدحهای او پر از شیر است. و مغز استخوانش تر و تازه و دیگری در
تلخی جان می‌سپرد و از نیکوئی هیچ لذت نمیبرد. اینها با هم در
خاک می‌خوابند و گرمها ایشان را میپوشانند!...»

(باب بیست و یکم از کتاب ایوب پیغمبر)

بعد از همه این تفصیل باید گفت اگرچه آنچه جامعه سوسیالیست سوئد در امر
توزیع عادلانه ثروت انجام داده و میدهد هنوز با آن درجه از تکامل خود که لازمه سوسیالیسم
کامل و ایده آلی است نرسیده ... مع الوصف در دنیای امروز جامعه سوئد از هر جهت منحصر
بفرد میباشد

پایان

اطلاعات و آمار و اعداد مأخوذ از (سوشال سوئیدن) و حقایق درباره سوئد)